

در احکام استقامت کسب و تقوی و ظهور و خفا آنها

قوس) دلالت کند بر کثرت حدو شامری در جبال و رسایق و هلاک بعضی از اشراف و
 نزول بلاد یا در محکمها و قلعها (مرجعت عطار در درج جگد) دلالت کند بر تشویش مردم
 و وفور حزن و غم در مردم و موت در زنان اشراف و سلامتی اهل سفایر و بلاد و زحمت
 اهل جبال و قلاع و بیماری و مرگ پیران (رجعت عطار در درج دلو) دلالت کند بر
 حدو شامری و بیماری حزن و غم و قلت سفر مردم اما آنچه دست دهد با نفع بود
 (مرجعت عطار در درج حجت) دلالت کند بر نکت و افت بزرگی که معروف باشد و این
 و بجز مینه اهل شرف و بسیاری حزن و اندوه و کثرت سحاب و غیم و ضعف عظام و نزول باران
 و اندوه مقربان و بیماری و اجیف و سخنان دروغ و تشویش و بیماری (تنبیه)
 احکام استقامت کواکب ضد تاثیرات رده رجعت است (استقامت زحل) مطلقا
 دلالت کند بر استقامت احوال مشایخ و دهاقین و فقرا و انبار داران و کرانه زرخیزان و
 کثرت کسب اهل فلاح و فرج بندگان و طائفه کردان (استقامت مشتری) دلالت کند
 بر فرج قضاة و اکابر و رخص طعام و رسل و وسائل میان ملوک و عظام و اظهار محبت
 از طرفین و قوت و زرا و اعیان و رونق ابواب بر و کثرت خیرات و طاعات (استقامت
 مریخ) دلالت کند بر صلاح حال لشکریان و کثرت خواند ایشان و شدت حاجت پادشاه
 بلشکر و حشم و عزت صنایع اسلحه و آلات حرب و سفارت حال امرا و سران سپاه و قوت
 و نمود و او باش (استقامت زهره) دلالت کند بر رونق زنان و خواجیه سرایان و
 اصحاب طرب و ارباب مزامیر و اوتار و سازه رویان و فرج در مردم و دوام سرور و رزق
 و ترقی خواتین معظمه (استقامت عطارد) دلالت کند بر قوه حال تجار و عمار و محترمین
 و اطنبا و اهل تجیم و رونق بازارها و کثرت اخبار نیک و تغیر هوا و آمدن باران در وقت
 و طیب قلوب عوام (فضله و بر در احکام خفا و ظهور و خیر و خیر) مراد از خفا
 کویس اول در آمدن او است تحت الشعاع بروجهی که اصلا مرئی نشود در یکی از دو طرف شب
 بعد از آنکه او را ظهور بوده باشد و مراد از ظهور اول ظهوری است که او را باشد در
 یکی از دو طرف شب بعد از آنکه در تحت الشعاع مخفی بوده لیکن مخفی نماید که ظهور خفا

استقامت زحل

مرکب

مشتری

مریخ

عطارد

در احکام خفا و ظهور

کواکب مختلف میباشد بسبب اختلاف مرض بلاد در موضع واحد نیز مختلف میشود بسبب
 کثرت وقت بعد از زمین و بسبب اختلاف عرض ششما و جنوبی و بسبب برمه و بطور
 بسبب کثرت مطالع و مغارب اجزاء بروج بنا بر این اهل احکام جمیعاً مقداری معین
 در هر کواکب منظور داشته اند از آنجا سو که چون میان آفتاب و آن کواکب با مقدار
 رسد در تحت الشعاع بود قبل از احتراق یا بعد از آن و مدار احکام بر آن نهادند
 خواه کواکب مرئی باشد و خواه مخفی هر چند منظور و ملحوظ اهل حساب در حاشیه تقویم
 اول خفا و رؤیه باشد و زهره را مخصوصاً این ساخته اند که هر گاه عرض زیاد در
 درجه باشد چنانکه احتراق و تصمیم بر او اطلاق نکنند تحت الشعاع نیز اطلاق نکنند و
 وجه این ظاهر است و تحت الشعاع در سفلیین دو از ده درجه مقرر کرده اند و
 علویین پانزده درجه و مریخ هجده درجه و در این مقدار در تحت شعاع آفتاب
 باشند و اهل احکام تحت الشعاع را دلیل ضعف و جبر مرض دانند چنانکه گویند که
 چون کواکب تحت شعاع آفتاب در این بمنزله شخصی بود که داخل زندان شود یا مریض گردد
 و چون با احتراق رسد بمنزله شخصی بود که بهلاکت رسد و چون از احتراق خلاص
 استاد ابوریحان گوید بمنزله شخصی زندانی نامتواری که بیرون آمد زاهی سجد یعنی آزاد
 خروج نماید (احکام حقا کواکب متعین در بروج اشاعتیها از قول هرمس *
 (احکام حقا از حاکم بروج اثنی عشر) خفای زحل مطلقاً دلالت کند بر خسارت
 مشایخ و رؤسا و اهل قلاع و سکان جبال و کثرت سحاب و کدورت و ظلمت هوا و
 آمدن باران در وقت وحدوث غم و هم در خلائی و بطلان رعایا و اهل حرث (حقا
 زحل در بروج حمل) در ثلث اول بروج ضعف و بطو اشیا باشد و در ثلث ثانی فلک
 امطار و نا استواری هوا و قتل و در ثلث شیم جوع و وبا (خفای زحل در بروج ثور)
 در ثلث اول بروج زیادتی آنها باشد و تشویش مردم و شر و افرد را کثر نواهی و بسبب
 اراجیف در ثلث ثانی توسط امور بود و در ثلث شیم نهیب غارت و زدنی و
 جدی ممت ظهور یابد (خفای زحل در بروج جوزا) در ثلث اول این بروج یکی از ملوک

خفای کواکب
 در بروج

خفای زحل

مرضی ظاری شود و حال زنان بد کرد بسیار اما کن مقدسه و در ثلث ثانی صلاح
 حال مردم بود و رواج اسواق و کثرت بیع و شری و در ثلث ثالث موت یکی از
 فرماندهان بود یا کربخین او از وطن اصلی (خفای زحل در برج سرطان) در ثلث
 اول برج منفعت اهل حرث و ارباب زراعت باشد و در ثلث دوم در چشم و زکام و
 نزلات شایع گردد و در ثلث سیم موت زنان بود (خفای زحل در برج اسد) در
 اول برج مرض بعضی مردم باشد و در ثلث ثانی زنان ملوک بیمار شوند و در ثلث سیم
 تب رعب عارض شود (خفای زحل در برج سنبله) در ثلث اول برج بلائی لاحق
 از پادشاهان شود و در ثلث ثانی موت مجایز بود و در ثلث ثالث دلاکت کند
 کثرت سخنان دروغ در میان وزرا و کتاب (خفای زحل در برج میزان) در ثلث اول
 برج دلاکت کند و پوست هوا و قلت مظار و در ثلث ثانی سرما باشد و در سیم کذب
 (خفای زحل در برج عقرب) در ثلث اول برج دلاکت کند و در ثلث ثانی و قلت سکن
 ایشان و در ثلث دوم پادشاه را بیماری دست دهد و در سیم ایضا کذبات (خفای
 زحل در برج قوس) در ثلث اول برج بلا و حزن لاحق مردم شود و در ثلث ثانی ضعف
 بطو امور بود و در ثلث سیم کراخ طعام باشد (خفای زحل در برج جدی) در ثلث
 اول برج قوت عدو و برهم خوردن مردم باشد و در ثلث ثانی دلاکت صعوبت بحر و کثرت
 امواج باشد (خفای زحل در برج دلو) در ثلث اول برج کثرت ظهور بلا بود و در ثلث ثانی
 موت پیران بود و در ثلث ثالث مضرت عالم بود از کثرت رطوبه (خفای زحل در برج حوت)
 در ثلث اول برج حد و مرض زکام و تزلزل بود و در ثلث ثانی کثرت صحبت و مجلس داشتن بود
 و در ثلث سیم حزن و غم لاحق پادشاهی عظیم الشأن شود (احکام خفای مشتری در برج
 اثنی عشر) خفای مشتری مطلقا دلاکت کند و بستگی خداوندان دین و ناموس و اندوه
 و حزن ترسایان و عیسویان و ظهور بارندگی در وقت و گرم و بنبار و حدوث مرض و
 ویا (خفای مشتری در برج حمل) در ثلث اول امراض کثیره از رطوبه عارض شود و در
 ثانی موت یکی از خواتین معظه اتفاق افتد و در ثلث سیم مردی اصل کثیر السن است

خفای مشتری

خفای مشکر در برج

دهد (خفای مشکر در برج ثور) در ثلث اول برج حدوث امراض از طوبت اتفاق افتد
 و در ثلث ثانی موت یکی از اهل حرم پادشاه بود و در ثلث سیم موت بزرگی حادث گردد
 (خفای مشکر در برج جوزا) در ثلث اول برج ضعف شیا و تلفان باشد و در ثلث ثانیا
 باد بسیار جهد و کدورت هوا و بیماری کرد و غبار بود و در ثلث سیم حور پادشاه و
 حکام بر رعیت واقع شود (خفای مشکر در برج سرطان) در ثلث اول برج پادشاه از
 شهری بشهری نقل کند و در ثلث ثانی بتبدیل احوال پادشاه واقع شود و در ثلث سیم ^{تشنه}
 غامر بود و اضطراب و کثرت اخبار و اراجیف باشد (خفای مشکر در برج اسد) در
 ثلث اول برج غم و حزن لایق پادشاه گردد و در ثلث دوم و سیم موت مردی شریف ذوی القدر
 روی نماید (خفای مشکر در برج سنبل) در ثلث اول برج پادشاه را مرضی گردد و
 بسیار روی نماید و در ثلث ثانی حزن و هم بوزیری رسد و منکوب گردد و ایند اجمعی از توابع
 و لواحق او راه یابد و در ثلث ثالث اسفل سفاین و سواحل را غم و کدورت (خفای مشکر
 در برج میزان) در ثلث اول برج قلت امطار و بیوست هوا بود و در ثلث ثانی مرضی عار
 پادشاه گردد (خفای مشکر در برج عقرب) در ثلث اول برج فراغت عساکر در راحت و صلاح
 اموری ایشان و در ثلث ثانی و ثالث موت زنان پادشاه و یا خواستین حواشی پادشاه اتفاق
 افتد (خفای مشکر در برج قوس) در ثلث اول برج اخبار ناخوش بهمع پادشاه رسد که
 ازان کدورت خیزد و رؤسا مغموم و محزون شوند و در ثلث ثانی و ثالث موت مردی شریف
 دست دهد از اهل مملکت (خفای مشکر در برج جد) در ثلث اول برج اضطراب در
 مردم حادث شود و ارتکاب دعاوی باطل کند و جهت های بی وجه آورد و در ثلث دوم
 اراجیف افتد و مردم بر هم خورده شوند و در ثلث سیم وزیر یا از وزرای پادشاه گردد
 (خفای مشکر در برج دلو) در ثلث اول برج مرضی عارض یکی از اهل پادشاه گردد و بآن
 بزرگ واقف رسد و در ثلث دوم و سیم یکی بازان باشد (خفای مشکر در برج حوت)
 در ثلث اول سرفا برف جلید حادث گردد و در ثلث دوم حرکت فلک بود بموضع قوس
 و در ثلث سیم لشکرها از اطراف مملکت بجزا آیند (احکام خفای برج در هر یک از

خفای مریخ در حرکت از برج

برج اشتر (خفای مریخ مطلقاً دلالت کند بر خسارت لشکریان و ائمه و محول
 ایشان و کدورت امر و قتل بعضی از سپاهیان و اهل عساکر و گرفتاری در زمان و قاطعاً
 طریق (خفای مریخ در برج حمل) در ثلث اول برج خزان پادشاه نقصان کند و اموال
 پرداخته شود و در ثلث ثانی فرج و نشاط لشکریان باشد و مقرب و صاحب پادشاه شود
 و در ثلث سیم ریح غارض جنالی شود و کثرت اسقاط حمل بود (خفای مریخ در برج ثور)
 در ثلث اول برج فساد بود و در ثلث دوم اسقاط حمل زنان و در سیم کم آنکور و زینتون
 (خفای مریخ در برج جوزا) در ثلث اول برج فوت مرد بزرگ باشد و در ثلث دوم
 آتش در منازل شهری افند و شاید که اموال بسیار بآن سبب ضایع گردد و خوف کما
 ازان بیشتر باشد و در سیم زن پادشاه مریض شود (خفای مریخ در برج سرطان) در
 اول برج امراض لاقوم مردم شود خاصه زنان و در ثلث دوم از حرارت بیمار گردند و در
 سیم حکم همان بود (خفای مریخ در برج اسد) در ثلث اول برج کدورت و حزن پاد
 باشد و در ثلث دوم و سیم امید و بیم از امور مکتوبه و جمعی بر پادشاه خروج کنند
 حرکات شدید و عداوت حرب باشد (خفای مریخ در برج سنبله) در ثلث اول این برج هم
 و حزن لاقوم کتاب و اصحاب و این و دفاتر شود و در ثلث ثانی اسقاط جنالی باشد و در
 ثلث ثالث مرض خواتین و افت ایشان بود (خفای مریخ در برج میزان) در ثلث اول برج
 بیوست هوای خزان و قلت باران بود و در ثلث دوم مرض ریجی عارض پیران شود و در
 سیم فرج لشکریان و راحت ایشان بود (خفای مریخ در برج عقرب) در ثلث اول برج ریح
 لشکریان و سکون ایشان بود و در ثلث دوم در چشم و حرارت غارض بدان گردد
 از کثرت غلبان خون و در ثلث سیم بیماری باشد (خفای مریخ در برج قوس) در ثلث
 اول مضامات و عداوت در میان مردم حادث شود خاصه در میان اصحاب ملامی و
 اغلغله و در ثلث ثانی اسقاط حمل و کثرت نم و باران باشد و بسیاری ابر و طیب صفا
 هوا بود و در ثلث سیم غضب پادشاه بر یکی از رؤسایا کتاب واقع شود (خفای مریخ
 در برج جد) در ثلث اول موت یکی از عظام الناس بود و در ثلث دوم اراجیف میان لشکر

در
 ۲۳۱

خفای زهر در برج

پادشاه افتد و مغموم و مهموم گردند و در ثلث سیم کثرت امطار و نمها باشد (خفای
 در برج دلو) در ثلث اول مضرت و خوف لاقوار میان شود سیم از زمان حامد و
 در ثلث ثانیه شدت لاقوار اهل سفاین شود و خوف غرق باشد و در ثلث ثالث یکی از
 اهل حرم پادشاه را وقت فرارسد (خفای در برج حوت) در ثلث اول تلف جان و
 آبی بود و در ثلث دوم امراض صعب عارض گردد و در سیم کثرت باران (تنبیه) چون ^{افتاب}
 از مقابله علوی منصرف شود بسبب سرعت روز بروز ایشان متقارب گردد چنانکه
 آنها را با فوج غریب اقرب بینند تا آنکه در حوالی افق بخت الشعاع افتاب در آیند پس همیشه
 خفای ایشان قبل از احتراق در جانب مغرب باشد بلا تعلق (احکام خفای زهره)
 در برج اشعی عشر) خفای زهره مطلقا دلالت کند بر باندگی و باد و پرودت در وقت
 و طلاق و فراق ازواج و مرگ و زنا و مطربان و خسارت ایشان و بد حالی خوانین
 معظمه (خفای زهره در برج حمل) اگر در اول شب باشد جو رو کثرت مطالب بود و
 اگر در آخر شب بود کثرت اراجیف و برهم خوردگی مردم باشد (خفای زهره در برج ثور)
 اگر در اول شب بود سفر اشرف باشد و یا نقل ایشان از مکانی بمکانی و اگر در آخر شب
 باشد شخصی با پادشاه بسبب ملک نزاع کند و از آن جهت پادشاه اندوهگین شود
 (خفای زهره در برج جوزا) اگر در اول شب بود فرج و خوشحالی لاقوار مردم شود و
 اگر در آخر شب بود حزن و اندوه مردم رسد (خفای زهره در برج سرطان) اگر در اول
 شب بود اندوه و حزن مردم بسبب خراجات و اموال محزون و ایشان و اگر در آخر شب
 بود اندوه و حزن و مجرمات و اصحاب لایات بود و بسیاری جلای وطن ایشان (خفای
 زهره در برج اسد) در اول شب حرارت و عطش هوا بود و در آخر شب فساد هوا با
 (خفای زهره در برج سنبله) در اول شب امراض حاره عارض مردم شود و در آخر
 عمل غلیظ عارض خلایق شود (خفای زهره در برج میزان) در اول شب مناظر مردم
 باشد و در آخر شب بیاری زنان بود (خفای زهره در برج عقرب) در اول شب کشف
 اشیا مکتومه بود واضطراب مردم و کثرت اراجیف و در آخر شب کثرت ذکر و شایع بود

خفای زهره

خفای عطار در برج دوازده گانه

(خفای زهره در برج قوس) در اول شب موت یکی از اکابر و عطا باشد و در آخر شب نیز حکم همان است (خفای زهره در برج جد) در اول شب عرض مرض و علت باشد
 مرد و زن سیما مردان و زنان پیر و در آخر شب هم چنین است (خفای زهره در برج دلو)
 در اول شب سکون بحر و قلت دبیح باشد و در آخر شب نیز چنان بود (خفای زهره
 در برج حوت) در اول شب امراض صعب عارض گردد و در آخر شب نیز همان بود (خفای
 عطار در برج اثنی عشر و احکامان) خفای عطار مطلقا دلالت کند بر یاد و باران
 و نقصان اکابر و ارباب دیوان و متصرفان و تحویلداران و وزراء و ارباب سواق (خفای
 عطار در برج حمل) در اول شب امراض در میان مردم از حوادث حادث شود و در آخر
 شب انقطاع بیماری باشد از مردم و وقوع آن در دو اب (خفای عطار در برج ثور)
 در اول و آخر شب امراض در بهائم عارض شود (خفای عطار در برج جوزا) در اول شب
 خفت امراض بود و در آخر شب کرمای سخت بود (خفای عطار در برج سرطان)*
 در اول شب اضطراب از خزن عام بود و در آخر شب حرارت هوا باشد (خفای عطار
 در برج اسد) در اول شب فساد هوا باشد و کثرت غم و حزن و در آخر شب میانه پادشاه
 و ملازمان و کارداران کدورت و کفکوی شود و سفری سخت روی نماید (خفای عطار
 در برج سنبله) در اول شب بیماری عارض پادشاه گردد و در آخر شب بیماری عارض
 از اهل پادشاه گردد یا زنی بزرگ (خفای عطار در برج میزان) در اول شب امراض
 عارض مردم گردد و در آخر شب کدورت هوا باشد (خفای عطار در برج عقرب)
 در اول شب احزان و اضطراب پادشاه و عمال و اجلاء قواد باشد و در آخر شب كذلك
 (خفای عطار در برج قوس) در اول سکون قواد لشکریان باشد و در آخر شب نفع
 کتاب (خفای عطار در برج جد) در اول شب فراغ و راحت لشکریان بود و در
 آخر شب همچنین (خفای عطار در برج دلو) در اول سکون در اشیا بود و در آخر
 نفع از امور بگنوم باشد (خفای عطار در برج حوت) در اول برج کثرت باران
 و نم باشد و در آخر شب کثرت رعد و برق و یادهای غبار ناک بود (تنبیه) چون

خفای عطار

احکام ظهور کوکب متخیره در برج اشقی عشر

مرکز تدویر سفلیین دایما تقریبا مقارن افق تاب باشند بعد از آنکه از اعلی تدویر و کوکب
مخترق کردند از جانب مغرب نمایان شوند پس بر باط اعظم رسند و از اجنات اسافل
تدویر میل کرده روز بروز متغایب بافتاب شوند تا در حوالی افق غربی بخت الشعاع
افتاب در آمده مخفی شوند بعد از آن از افق تاب گذشته در جانب مشرق نمایان گردند پس بر با
اعظم رسند و باز میل بافتاب کنند تا در حوالی مشرق بخت الشعاع افتاب در آمده مخفی
شوند پس از این بیان ظاهر شد که سفلیین و اخفام در طرف مشرق دست تواند داد
هم در طرف مغرب و لهذا هر سر احکام خفای ایشان را در هر طرف علیحده بیان نموده *
(احکام ظهور کوکب متخیره در برج اشقی عشر احکام ظهور زحل) ظهور زحل مطلقا
دلائل کند بر علو اقبال رؤسا و مشایخ و اهل فلاح و غلامان و طبیبان و اهل جبار
و قلاع و خاندانهای قدیم و خوشحالی پیران و مردم سالخورده و قوت بدن ایشان و
طوسی میفرماید که زحل در این حال کلی است که از خوف بلا که بچینه باشد که اگر کسی را
در یابد شدت پیدا کند و او را بکزد (ظهور زحل در برج حمل) دلائل کند بر کثرت
حروب و فتن در زمین مشرق و قتل طعام در نواحی مغرب و جنوب و کثرت حرص مردم
بر فساد و خرابی و بسیاری قتل و دزد و حرامی و کثرت حرارت هوا در وقت قوت
سباع و هر مس گوید که اگر در اول شب از جانب مشرق ظهور کند خزن لاهی یادش
کرد و باین سبب را جیف در میان اعیان ببرد (تبیین) مراد از این ظهور زحل
ظهورات سابق است بلکه عبارتست از رویت کوکب در اول شب هنگام طلوع شمس
انکه در طلوع سابق از غلبه نور افتاب مرئی نبوده باشد و این از کوکب سیاره مخصوص
علوید است (ظهور زحل در برج ثور) دلائل کند بر کثرت باد و باران و فساد
در نواحی مغرب سرهای عظیم در نواحی مشرق و مغرب و بیماریهای و فزونی کاد
و شر و تباهی غله خاصه در جانب مغرب و نقصان میوهها و هر مس گوید که اگر در اول
شب از جانب مشرق ظهور کند دلائل کند بر بارانهای مضر و غرق اماکن (ظهور زحل
در برج جوزا) دلائل کند بر کثرت باد و باران و تزايد میاه و امکان سردی و فساد

کوکب متخیره

در کواکب

تبیین

در نواحی

در کواکب

طعام

ظهور زحک

طعام و وقوع موت و بباد در نواحی شمال و هر مس گوید که اگر در اول شب از جانب مشرق ظهور کند دلالت کند بر آنکه مرضی لاحق بقیاد شاه گردد و باران کم یارد و تفاوت اسعار بود * (ظهور زحل در برج سرطان) دلالت کند بر کثرت میناه و شدت برد و رجاج و تفاوت بزخنها و فساد مطعومات و کمی عصاره زیت و حدوث حراب و کثرت خوارج و غارت و خونریختن در جهت مشرق و حدوث بیماری اکثر از سرفه و درد سینه هر مس گوید اگر از جانب مشرق در اول شب ظاهر گردد کثرت باران باشد در مواضع مستعد (ظهور زحل در برج اسد) دلالت کند بر حدوث حیفات و موت و فتنه و حرب و بادهای تند و اشکبار که با سبب و مضرت از حشرات الارض گرفته سیمای حیفات هر مس گوید اگر در جانب مشرق در اول شب ظاهر گردد زیادتی آب در درختها و چشمها باشد (ظهور زحل در برج سنبله) دلالت کند بر حدوث حیفات خاره و موت و قتال در میان مغرب و جنوب و بعضی بجای جنوب شمال گفته اند و حرکه هوا و ظهور علامات استیحا سبب می گوید اگر در انوقت زهره با او بود و مرکب زنانه باشد سیاه و شیرکان و اگر مریخ با او بود حدوث حرب بود و اگر عطارد با او باشد تکدر هوا و حدوث رجاج عاصفه باشد و اگر مشتری با او بود ^{قلبت} مرکب وافت غلات بود و مضرت از مملوح هر مس گوید که اگر در جانب مشرق در اول شب ظهور کند در درختها زیاد شود و باران آید و عدد برقی باشد در مواضع مستعد (ظهور زحل در برج میزان) دلالت کند بر قلت طعام و شدت اشوب و وزیدن بادهای و سحنی کرنا خاسب می گوید اگر مریخ در انوقت با او بود شدت فتنه بود و فرغ خلائق و وقوع وحشت و اگر مشتری با او بود یا قمر فتنها باطل گردد و با عارض مردم شود و مرکب باشد و کثرت امراض و ظلمت هوا و قلت عصاره زیت هر مس گوید اگر در جانب مشرق در اول شب ظهور کند ضربه با اهل عالم رسد و قرب باشد و امراض عارض خلائق گردد و اکثر از میدگی بفتح بود و بعد از آن شود (ظهور زحل در برج عقرب) دلالت کند بر سفک دما در جا مغرب و شمال و مرکب اطفال و از سردی علل و امراض حادث گردد و در چشم و گوش باشد و کثرت بارندگی و قحط در ولایت مغرب و اگر مشتری و قمر قریب با او باشند موکد در چشم

شمال

اسد

سنبله

میزان

عقرب

در ظهور زحل در برج

و گوش باشد و سنک مانند حادث گردد و در بعضی مواضع برف شود و اگر مریخ قریب باد بود کمی و با و بسیاری صفات او باشد و در چشم تا کید یا بد هر مس گوید اگر در اول شب از جانب مشرق ظهور کند اعدا و خوارج بر پادشاهی بیرون آیند و با ضرورت از مکان خود انفال کنند (ظهور زحل در برج قوس) دلالت کند بر ملک علماء و حرب در زمین مغرب مناسب می گوید اگر مریخ و زهره قریب با و باشند قلت موت بود اما امراض غارض مردم کرد از در چشم و ذات الحجب حیات و درد پای و مرگ ظهور وقت عصیر و زیت بود هر مس گوید اگر در اول شب از جانب مشرق ظهور کند و جاع و حیوانات مختلفه عارض مردم شود (ظهور زحل در برج جد) دلالت کند بر حدوت با زندگی و زیدن باورها و کثرت خوف و فرغ در مردم و وقوع حرب در جانب مشرق و اوقات در عالم و بسیاری عصیر و زیت باشد (ظهور زحل در برج دلو) دلالت کند بر خوف و فرغ در عالم و کثرت فتنه در اکثر اقالم و خلاف رعیت نسبت به پادشاه و با و موت در زنان و جوانان و مخالفت ازواج مناسب می گوید اگر نیرین با و نزدیک باشند قلت زیت بود و اراجیف شایع گردد و جاع غارض مردم گردد و آب طغیان کند و نقصان غلات باشد هر مس گوید اگر از جانب مشرق در اول شب ظهور کند غم و حزن بر مردم (ظهور زحل در برج حوت) دلالت کند بر حدوت فقر و جدام و کثرت ایما و وقوع سرما و مروریسها و اگر مریخ و زهره مقارن یا مقابل او باشند یا قریبا از نظر مقابله داشته باشند مناسب می گوید در چشم شوع یا بد وقت طعام و امطار بود و سلامتی اشجار بود و کثرت غرس اشجار سیما زیتون (احکام ظهور مریخ در برج اثنی عشر) ظهور مریخ مطلقا دلالت کند بر صلاح حال فضلا و قضاة و ارباب ناموس و حسن رعیت و خوشی حال طائفه نصاری و تمکن و زرا و رئیس المحققین نصیر الملک و الدین میفرماید که مریخ در این حال مثل مرد فاضلی است که بلا و مکروه بسیار بر سر او گذرشته و زحمت و آفت سمی تواند پذیرفته بلند قدر و معتبر شده باشد (ظهور مریخ در برج حمل) دلالت کند بر قلت امراض و اگر حیانا واقع شود در سر و روی باشد

قوس

جد

دلو

حوت

اثنی عشر

حمل

ظهور مشرق در حرکت از برج

در سلامتی خصوصاً در زمینهای نرم و وقوع زکام اکثر در میان احشام و ایماقات و
 بسیاری باران و هبوب ریح شمالیه بود و حدوث برف خاصه در مواضع سردی
 و کوه پاهای و نقصان علف ذرها و چراگاهها و قلت طهور بود و بسیاری تضرع
 و استسکانت باشد و هر مس کوید اگر در جانب مشرق در اول شب ظهور کند کثرت
 سرما و باران و نم باشد (ظهور مشرق در برج ثور) دلالت بر مرگ بعضی از کلبه
 کبار و بسیاری سرما و باران و باد و نقصان میوهها و هر مس کوید اگر در جانب مشرق
 هنگام شام ظهور کند کثرت امطار و اندا بود (ظهور مشرق در برج جوزا) دلالت کند
 مرگ زنان و جوانان و بیماری سائر مردم و علت اشجار و اوجاع عینی خاصه در زنان و در
 حیوانات و قلت آب چشمها و علل در کورگان و هر مس کوید اگر در جانب مشرق هنگام شام
 ظهور کند کثرت باران باشد در ولایت مشرق و بسیاری رطوبت و کدورت هوا (ظهور
 مشرق در برج سرطان) دلالت کند بر حدوث امراض خاصه در بهار و جوشش و جمع لب و
 دهان و ارزانی غلات و حدوث باران و عدد آمدن باد شمال و طغیان آنها هر مس کوید
 اگر در اول شب از جانب مشرق ظهور کند امطار و اندا بود و اعتدال هوا (ظهور مشرق
 در برج اسد) دلالت کند بر حدوث مرض بواسیر و نزله و سرفه و حسن حال اشجار و غلات
 و نقصان وافت دواب و موت اشرف و بیماری بعضی از ملوک و وزیدن بادهای و نقصان
 آنها هر مس کوید که از جانب مشرق در اول شب ظهور کند بارانهای نافع و زود و ارزانی
 بسیار و حسن سیرت مردم بود و یکی بعضی حد باشد و اعتدال جزایها باشد و الله اعلم
 (ظهور مشرق در برج سنبله) دلالت کند بر فساد درختها و بسیاری انکور و امراض
 راس و در چشم و در زمستان سرما و برف و یخبند باشد و رعد و برق در تابستان
 و مرور سیول و هر مس کوید اگر در جانب مشرق در اول شب ظهور کند قلت باران و نم با
 (ظهور مشرق در برج میزان) دلالت کند بر بسیاری در سرد و بیماری زنان حامله و
 طیب هوای بهار و کثرت باران در زمستان و هبوب ریح کثیر و بسیاری اعتنا
 صیفیه هر مس کوید که از جانب شرق در اول شب ظهور کند در چشم و زکام و نزله بسیار

سرمه

سرمه

سرمه

سرمه

سرمه

سرمه

سرمه

ظهور مشرق

(ظهور مشرق در برج عقرب) دلالت کند بر کثرت اجتماع مختلفه خاصه در بینا و هلاک
 کاوهها و بیابانی کردن و توسط ذر و و تکثر امطار و برق خاصه در زمستان و بیابانی
 دزدان و نقصان چشمها و انباشته شدن انبار و افت کشتیها و سلامتی درخت زیتون
 و توت هر مس کوید اگر از جانب مشرق هنگام شام ظهور کند در چشم در میان مردم
 شایع گردد (ظهور مشرق در برج قوس) دلالت کند بر موت مردی عظیم القدر از اهل
 مشرق و کوبیدن جلای وطن و افت در کتاب باشد و کثرت تا اسل و دواب و اعتدال هوا
 زمستان و فروخت میوهها و کثرت گیاهها و افت سباع و کلاب هر مس حکیم کوید اگر از
 جانب مشرق در اول شب ظهور کند در چشم عارض مردم شود (ظهور مشرق در برج
 جد) دلالت کند بر هيجان در چشم و سر و هلاک حیوانات حلال گوشت و سرما و برف
 و جستن بادها و کثرت اینها و وقوع جرب و حکه در میان مردم هر مس کوید اگر در جانب
 مشرق در اول شب ظهور کند غم و هم غار من خلق شود و وجع و ژرد چشم و سر شیوع یابد
 (ظهور مشرق در برج دلو) دلالت کند بر امراض سرد و عرض حکه در مردم و غرق کشتیها
 و هلاک اهل دریا و هبوب ریح ناضبه بزرع و کشت و کثرت باران و مرگ در میان عظاما
 مشهور کوید از مناکن و اوطان هزیمت نمایند و هلاک طيور و دواب بحر بود و گیاهها
 از بیخ و برف تباه شوند هر مس کوید اگر در جانب مشرق در اول شب ظهور کند کرب و بلا
 در عالم و قلت ریح باشد (ظهور مشرق در برج حوت) دلالت کند بر خوشدلی اهل
 عالم و حسن احوال ایشان و ارزانی بزخنها و سلامتی غلات و بتاهی میوهها و بیابانی زنان
 و کودکان سیاه در فضل بهار و افت جلای شدت کرب و عسر و آرت و عک در پایها
 و هبوب ریح شمالیه و سردی زمستان و بیم زلزله و ترس مردم و افت کوسفند هر مس
 کوید اگر در جانب مشرق در اول شب ظهور کند کثرت باران و نم باشد (احکام ظهور
 مریخ در برج اشتر) ظهور مریخ مطلقا دلالت کند بر حسن حال لشکریان و امرای و
 سپهسالاران و سلامتی ایشان و کثرت فوائد و منافع این طبقه و خوشحالی و سلامتی
 و تندرستی لشکریان و سلطان المحققین علامه طوسی را میفرماید که مریخ در این حال

در عقرب

در قوس

در جد

در دلو

در حوت

ظهور مریخ

ظهور مریخ در هر یک از برج

۲۳۹

ب

ت

ج

د

هـ

و

ز

مثل شمشیر صیقلی بود در غلاف که اصلا کار نفرموده اند و کندک با و راه نیافته (ظهور مریخ در برج حمل) دلالت کند بر کرمی هوا و صوب سموم در باد به عرب و ضرر زروع و عرض مرض بسبب حرارت در در چشم و حرب در نواحی مشرق و شدت بادها و حسن حال میوهها و غله و بیماری زنان (ظهور مریخ در برج ثور) دلالت کند بر حسن حال زنان و نباتات و مرض در میان چهار یا میان خاصه کاوان و کوسفندان و کرمی یا زانها و نقاشی نوحها و افت خلاق و حرب میان اهل مغرب و شمال و حزن اهل شام و کثرت در چشم هر مس کویدا کرد جانب مشرق هنگام ظهور و کندک مختلط شایع گردد و امتناع باران باشد (ظهور مریخ در برج جوزا) دلالت کند بر ضرر در رسانیدن بحال و اصل قلم و حسن حال نباتات و اشجار و خوشی عامه و کثرت باد و قلت آب و فساد در دزدان و مریک و قتل در طرف شمال و بیستای حریق پس اگر زمین قریب باشند با و حرارت مزاجها باشد و در چشم سیمای دور بخاران (ظهور مریخ در برج سرطان) دلالت کند بر حرکت عساکر و کثرت حرب و ظهور قاطعان طریق و معدن غارت و امراض حاده در مردم اکثریت ربع و افت اعضا و درد سینه و کله و تفاوت نوحها و میل مردم با کل حرام و مریک در آب و ظهور و حشرات الارض هر مس کویدا کرد جانب مشرق هنگام شام ظهور کند غلظت گردد و زوال هم و غم خواطر باشد (ظهور مریخ در برج اسد) دلالت کند بر قوت و کثرت ظلم و تسلط سیاح در راهها و کثرت ممانعت و آرزای حیوانات و سلامت زراعات و قوه کرها و حدوث امراض حاده در همه و حدوث درد شکم خاصه در اطفال و صوت یکی از مظاهر هر مس کویدا کرد جانب مشرق و وقت شام ظهور کند باران اندک آید و نزول قطرات باشد (ظهور مریخ در برج سنبله) دلالت کند بر هبوط سموم در بیابانها و رسیدن افت بزراعت و حدوث حرارت در حراج مردم و جوئش اعضا و در چشم و حسن بادهای تند خاسب و حکم بقتل باد کرده است و اگر قریب برترین باشد در ناحیه جنوب فتنه و آشوب بود هر مس کویدا کرد اگر از جانب مشرق وقت شام ظهور کند مریک پادشاهی یا مردی عظیم الشان از اعیان باشد (ظهور مریخ در برج میزان) دلالت کند بر کثرت موت و بسیاری دزدان و وقوع ادمیان

ظهور مریخ

و فور باران و قلت میوه سیم آنکور و زیتون هر مس گوید اگر از جانب مشرق در اول شب ظهور کند باران بسیار باشد و حدوث رعد و برق و صاعقه بود (ظهور مریخ در برج عقرب) دلالت کند بر یکی حال امرا و اشراف و لشکریان و حرب در نواحی مشرق و ربا و مرض در آدمیان و کثرت باران و اینها و نقصان مزدوع و ظهور عشرات الارض و موت زنان خاصه عجایز و مردان دزدان خاصه در بلاد شام و کثرت او جاع از برودت و مژه سودا و بسیاری حزن و فقرت و شوع درد کوش و چشم و اگر نماز پنج زهره بود باران بود و برف بسیار و از امتزاج قمری موت و مرگ و امتزاج زحل مرگ عام و کثرت باران هر مس گوید اگر در جانب مشرق هنگام شام ظهور کند امتناع باران و کثرت خشکی هوا باشد (ظهور مریخ در برج قوس) دلالت کند بر جد و حرب در جانب مشرق و کثرت قحط در آنظر و فور بارانها و خوبی ذرع و کشت و خوشحالی عامه و امراض حاده و کثرت موت خاصه در سلاطین و حکام و حدوث برفان و درد چشم و بسیاری بیخ و تباهی میوه هر مس گوید اگر در طرف مشرق هنگام شام ظهور کند ضرر بسیار رسد و ظلمت هوا باشد و قنات فی الجمله در بزخنها و ارزانی بعد از آن (ظهور مریخ در برج جد) دلالت کند بر صلاح حال لشکریان و خوشی زراعت و ارتفاعات و ظهور مودت در جوانان و کودکان و حرب در میان مشرق و جنوب هر مس گوید که اگر در جانب مشرق هنگام شام ظهور کند فساد گوید باشد و تلف حیوانات و درواپن الارض (ظهور مریخ در برج دلو) دلالت کند بر حرکت هوا و کثرت امطار و خوبی ذرع و نباتات و ارزانی بزخنها و بسیاری ارجیف و فساد میوهها و کمی باران و عزت ماکولات و حرب در زمین شمال و بسیاری وجع هر مس گوید که در جانب مشرق شام ظهور کند شدت حرب و قسوت باشد لیکن اگر مریخ در برج جوزا (ظهور مریخ در برج حوت) دلالت کند بر حمل عظام و قلت باران در جانب جنوب و کثرت در چشم و فور طعام بود و انتاع منازل عظام و فساد امور سلاطین مناسبی گوید اگر در جانب مشرق در این حال با او بود کثرت و شدت حرب بود و حدوث رعد و برق هر مس گوید که در جانب

در جانب مشرق

در جانب مشرق

در جانب مشرق

در جانب مشرق

در جانب مشرق

احکام ظهور زهره در برج

مشرق هنگام شام ظهور کند تپهای گرم شایع شود از عیسان خون و رطوبت (تغیبه)
 چون کواکب علوی به محرق گردند و افتاب بجز که توالی بسبب سرعت برایشان سبقت کند
 مقداری دور شود ایشان هنگام صبح در جهت مشرق بنظر در آیند پس ظهور ایشان
 بعد از احتراق دائم در جانب مشرق بود بلا تخلف (احکام ظهور زهره در برج اشعی عشر)
 ظهور زهره مطلقاً دلالت کند بر قلت باران و فرج خواتین و طیب قلوب رعیت و کثرت باد
 و محقق اعظم خواججه نصیر المله و الدین میفرماید که زهره درین حال مثل زنی بود ضعیف و
 بیچاره که بلباس مکاره بر او گذشته باشد و مدتی مدید از غایت ضعف ل و بدن و سستی
 طبیعت نفس او بحالت اصلی نیامده باشد (ظهور زهره در برج حمل) دلالت کند بر باران
 و فرغان برداری لشکرمان و کثرت فراغت مردم و ظهور خرید و عالم و حسن حال مواش و
 و اعتدال هوا و سردی عظام و اشرف بسیاری منافع و فواید و کثرت باران و نم و زیاد
 شدن ایها و صلاح حال اهل دریا (ظهور زهره در برج ثور) دلالت کند بر حسن زرع
 و اعشاب و اشجار و وفایت مردم و کثرت فرج و سرور و فراخی بنال و خوبی کرم و باغات
 و بسیاری باران (ظهور زهره در برج جوزا) دلالت کند بر سلامت مزاجها و خوشی هوا
 و بسیاری حیوان و کثرت باد و بسیاری فسق و فجور و وفور تناسل ظهور و حیوانات
 (ظهور زهره در سرطان) دلالت کند بر کثرت مرض جدی و سلامت غلات و میوهها
 و بودن باران و زیاد شدن ایها و صلاح حال زنان (ظهور زهره در برج اسد)
 دلالت کند بر سلامت زرع و غلات و آثار و ارزانی زرخشا و زیادتی ایها و وقوع آتش
 در جانب مشرق و قوه حال پادشاه و ظهور و جوش موزیر و سباع ضاره و بادهای
 در دریاها و کثرت اخبار (ظهور زهره در برج سنبله) دلالت کند بر وفور اعراض و
 امراض در میان زنان و کثرت رضای ایشان از شوهران و فوائد و منافع تجارت و سلامتی
 زرع و نباتات و اشجار و عزت طعام (ظهور زهره در برج میزان) دلالت کند بر سلامت
 مردم از امراض و عوارض و ارزانی و فراخی و ظهور فرج و سرور در عالم و باد و باران و
 خوبی گشت و زرع و کثرت ظهور (ظهور زهره در برج عقرب) دلالت کند بر ظهور سرفا

زهره در
 برج حمل
 دلالت کند
 بر باران

ظهور عظام در کربت از برج

و حدیث امر از در خوابین و سایر زنان و صلاح حال نباتات و آمدن باران و کثرت آب
 (ظهور زهره در برج قوس) دلالت کند بر کثرت فرج و سرور در عالم و میل ملوک و
 عظام بزنان و صلاح حال دواب مویشی و وزیدن باد بسیار و رسوائی در دنیا می زهاد
 و اهل ورع (ظهور زهره در برج جد) دلالت کند بر حسن احوال مردم و بیماری پیران
 سالخورده و کثرت سرما زدنتا و عصیان زنان از شوهران و قلت سرور ایشان و آرزای
 زخما و فاساد کای شرکاء و کثرت تردید مشایخ (ظهور زهره در برج دلو) دلالت کند
 بر کثرت غم و نزول جلد و فوراً مظار و آرزای اسعار و بادهای تند و حدیث امر
 بلغمی (ظهور زهره در برج حوت) دلالت کند بر صلاح حال زنان عابده و تبع ایشان
 و بسیاری بارانهای نافع و کثرت حیوانات بی رو فوراً میمان (احکام ظهور عظام
 در برج اشعث) ظهور عظام در مطلقاً دلالت کند بر فرج و زرا و کتاب طیب قلوب
 اهل قلم و دفاتر و خوشی احوال رعایا و کثرت برها و بارانها در وقت کامل همین محقق شود
 میفرماید که عطار در این حال مثل اخگر افروخته شود و قوت کبر و صالح الحال گردد پس
 اگر در این وقت مقارن سعود شود عطار در سعادت دهد بقدر جوهران سعود و اگر
 مقارن نحوس شود مضرت او اشتداد کند و در انخاس شرفوی گردد (ظهور عظام در
 برج حمل) دلالت کند بر کثرت و شدت رنج و زیاده میانه و قلت شایخ اغنام و بسیار
 آن در زمین عراق و کربان طعام اگر در این وقت مازج زهره باشد سلامتی جانوران بود
 و از مازجت برنج فتنه آورد و از مازجت زحل فساد از کثرت آب و از مازجت قمر کثرت
 عمارت بود (ظهور عظام در برج ثور) دلالت کند بر قتال در نواحی مشرق و مغرب
 و قوت عظام کثرت ایها و غرق ذروع و فساد زیتون و بسیاری رمد خاصه در طرف
 مشرق اگر مازج مشرقی باشد بازهره صحت سلامتی مردم بود و قلت مرگ کاه و کثرت
 زیتون و اگر زحل با او بود از طغیان اب ضرر رسد و اگر مریخ با او بود حرب و فتنه باشد
 (ظهور عطار در برج جوزا) دلالت کند بر حرب و فتنه در نواحی مشرق و کثرت موت
 در نواحی شمال و شدت حرکت و غرت طعام و بسیاری جلادات و کثرت وجع از قروح

در کربت از برج

ظهور عطار در برج

جراحات و حصبه (ظهور عطار در برج سرطان) دلالت کند بر قتل و حرب و کثر حوا
 و اطراف و کثرت حزن و غم در معظم عالم و عزت طعام و اگر زهره و مریخ با او بود بزرگان
 مغرب را خوف و مرگ رسد و اگر قمر با او بود مرگ و فووت در اکثر نواحی باشد خاصه در
 جانب مغرب و قلت طعام بود (ظهور عطار در برج اسد) دلالت کند بر کثرت
 شدت کرها و قلت طعام و بلندی زرخها و حسن حال میوهها و و باد در نواحی مشرق و اگر
 زهره با او بود کثرت سردی و استغاش باشد و اگر علویین بر غریبه او باشند دلالت کند
 بر قلت و محط غسل یا شکر (ظهور عطار در برج سنبله) دلالت کند بر حرب و قتل
 در زمین حجاز و حدوث امراض شری و درد چشم و وجع ظهر و ضایع شدن غلات و اگر مریخ
 با او بود از جانب مغرب حرب افتد (ظهور عطار در برج میزان) دلالت کند بر شدت
 رباح و کثرت مطر و حسن حال مردم و اگر مغان مریخ یا زحل بود در چشم و هلاک ستورا
 باشد و موت در جانب مغرب و اگر ظهور او از جانب مغرب باشد احمد عبد الجلیل گوید
 درد اعضا از کثرت برودت غارض شود و در چشم و گوش شایع گردد و از سر تا انگور
 نقصان رسد و اگر زحل در ایصال با او بود بسیاری موت و کثرت باران باشد (ظهور
 عطار در برج عقرب) دلالت کند بر کثرت ایها و ارزانی زرخها و قتل در نواحی جنوب
 و احمد عبد الجلیل گوید حرب و قتل در ناحیه شمال بود و حدوث امراض یارده ستم
 درد گوش و چشم و امراض مثانه و نزول باران و قلت ذرع و محط در زمین مغرب و اگر
 زحل با او بود مرگت عام باشد و بسیاری باران در جانب مغرب باشد و اگر زهره یا او
 بود باران اندک آید و برف بسیار و اگر قمر بود قلت موت و مرگ بود (ظهور زحل در
 برج قوس) دلالت کند بر شدت رباح و غرق سفاین و کثرت قاطعان طریق و میل مردم
 بر با و حرام و ارتفاع اسعار و افت اکابر کتاب کثرت در چشم و گوش و برودت هوا
 و قلت باران و کثرت برف باشد (ظهور عطار در برج جد) دلالت کند بر حدوث
 امراض در مردم از حرارت و حسن حال ذرع و نباتات و مواشی و ارزانی حیوانات و وقوع
 زلازل و رجفات در بعضی اماکن متعلقه به برج جدی و فتنه در جانب مشرق و مرگت

در ظهور عطار

اطفال و عورت و کمی غسل و از مقدار نرسیدن زیادتی بدی باشد و از مقدار نرسیدن کمی بعکس
 و اگر هیچ با او نباشد و البته عطار شبیه در ناحیه شرق (ظهور عطار در برج دلو)
 دلالت کند بر قوت باران و حرکت عساکر بنواحی مغرب و تفاوت اسفار و جودت
 اثمار و وقوع خوف و صدوت برقان و ترس و غریب و تلفت بطور بود و اگر زحل با او بود
 زیان از کثرت بارندگی رسد و اگر زهره با او بود علامات اسمانی ظاهر گردد و شرقی
 و حمیات غار منخلاق شود (ظهور عطار در برج حوت) دلالت کند بر کثرت ایمنها
 در دیدن بادها و انبوهی مرگ در طرف جنوب و حدوث و باد در مردم بزرگ شهر بیفتد
 فساد در حال و اهل قلم و اگر مشتری یا شمس بود فزاحی طعام و راغب بودن مردم بخیر
 بود (تنبیه) چون سفلیین در زدوده تدویر محترق شوند بحرکت توالی از اقباب بگذرد
 و از جانب مغرب در اغلب احوال نمایان شوند هر چند براید از اقباب دور تر شوند تا
 بر باط اعظم رسند و از آنجا باز با اقباب تقرب جویند تا در حوالی اقباب مغرب ناپدید شوند
 و چون از اقباب بعد از احتراق بگذرند در اوقات از جانب مشرق ظاهر گردند
 پس معلوم شد که سفلیین را بطریق عقاظم و وره از جانب مشرق باشد هنگام شام
 و هم از جانب مشرق هنگام صباح (تنبیه) چون عطار در دایما در حوالی اقباب است و
 زیاده از بیست و هفت درجه که مقتضی نصف قطره ویرا است اقباب دور نیست
 و قلیلی از اوقات از زیر شعاع او خارج است و قابل رؤیت و اهل خبرت گفته اند که هر کس
 او را بنظره وارد کنی از علم یا مال بیاید و با اعتقاد مجین هم از کواکب عطار دانست
 معلم اول او را کواکب روحانی گفته و در وقت دیدن او دماغ نیست مخصوص که مواجده او

عطار در حوت

میخوانند و آن بطریق نظم سه بیت است بر این طبع

عطار دایم الله طال برقی	صباحا مناء کواران فاعنا
فها انا فامخنی قوی ابلغ المنی	و درک العلوم الغامضات کراما
و ان تکفی المخطور و الشکر کله	یا رب علیک خالق الارض و السماء

و این ابیات در نسخ مختلف است و در بعضی بجای لفظ صباحا مناء عشاء و صباحا واقع است

معانی الفاظ ابتدای عطار

و در بعضی بجای فامتنی فامدنی مذکور است و بجای بلغ ادرك و بجای درك العلوم
 بهاء العلوم و بعضی مردم بر این اند که این سر بیت از جمله منظومات باب مدینه علم نبی اعین
 علی ولی علیه السلام است و چون تصحیح اعراب و الفاظ و غاموفاقی فانون عربیت از جمله شعر
 واجب نمود بیان آن بر سبب اختصار مجر از دلیل در حاشیه بر این وجه عطار در بضم دال
 مهمله آیم الله بفتح همزه و سکون یا، التثانیه و ضم الیم و کسر الهاء من الله طال بفتح طاء
 و سکون الف فتح لام ترتبی بفتح ناء فوقانیه و رای مهمله و ضم قاف مشدده و کسر یاء مو
 و سکون یاء موحده تخانیه صباحا بفتح صاد مهمله و یاء موحده و سکون الف و فتح حاء
 مهمله منونہ مساء بفتح میم و سین مهمله و الف ساکنه و همزه مفتوحه منونہ کی بفتح کاف
 و سکون یا، تخانیه اراک بفتح همزه و رای مهمله و الف ساکنه و کاف مفتوحه فاعننا
 بفتح فاء و همزه و سکون غین معجم و فتح نون و میم و سکون الف شباع فهنا بفتح فاء انا
 بفتح همزه و نون فامتنی بفتح فاء و اسقاط همزه بعد از او در درج و سکون میم و فتح نون
 و سکون حاء مهمله و کسر نون و سکون یا، تخانیه قوی بضم قاف و فتح واو منونہ ابلغ
 بفتح همزه و سکون بای موحده و ضم لام و جزم غین معجم لکن بجه و وصل تا بعد بضم خواننده
 میشود المتی مصدر بالفلام و ضم میم و فتح نون و سکون یا، تخانیه و درك بفتح واو
 عطف دال و سکون را، مهملین و فتح کاف العلوم مصدر بالفلام الغامضات مصدر
 بالفلام و فتح غین معجم و سکون الف کسر میم و فتح ضاد معجم و سکون الف کسر ناء فوقا
 نکر ما بفتح ناء کاف و ضم رای مهمله مشدده مصدر منصوب بر تیز و آن تکفی بفتح واو
 عطف و همزه و سکون نون و فتح ناء فوقانیه و سکون کاف و کسر فاء و فتح یا، تخانیه
 و این فعل مؤنل بمصدر است و عطف بر کله قوی المخطور مصدر بالفلام و فتح میم و سکون
 خا معجم و ضم طاء مهمله و الشر بفتح واو صلف و بعد از ان الفلام و فتح شین معجم و رای
 مشدده و کله بضم کاف و فتح لام مشدده و ضم ناء یا بکر بای موحده و فتح همزه و
 سکون میم و کسر رای مهمله ملیت بفتح میم و کسر لام و سکون یا، تخانیه و کسر کاف فوق
 خالق بفتح خا معجم و کسر لام و قاف الارض بالفلام و فتح الف و سکون رای مهمله و کسر

در احکام تشریف و تغریب کواکب

ضاد مجمر و التما بفتح و او عطف و بعد از آن الف کلام و فتح سین جمله مشدده و فتح میم
 و سکون الف و کسر همزه و بنا بر نسخه دیگر فامده فی قوی آدرک المنی بفتح قاف و همزه و سکون
 میم و کسر دال اول و سکون دال دوم و کسر نون و سکون یای تخانیه آدرک المنی بفتح همزه
 و سکون دال و کسر راء مهملین و فتح کاف بها العلوم الغامضات تکنها بها بکسر یا
 و یای از پیشتر معلوم شد پس معنی بنا بر نسخه اول چنین باشد که ای عطار دسو کند
 بخدا که دراز شد انتظار من در صباح و شام تا به بیتم ترا و قیمتت یایم اینک من حاضر
 نیس عطا کن مرا قوتها فی کبر رسم از زوها را و درک علمهای پوشیده دور غور را
 از روی تکرم و آنکه کفایت تکرم کنی مرا مشرف شده بر هلاکت و شرابا بالتمام بحق پادشاه
 که افریننده آسمان و زمین است و بنا بر نسخه دیگر اینک من حاضر مدیده مرا بقوتها
 که در یایم از زوها را بان قوتها و علمهای مشکل و دور غورها حاصل معنی با سبق
 کلام فارسی آنستکه ای عطار دسو کند که انتظار بسیار کشیدم که ترا به بیتم و قیمتت
 یایم الحال حاضر شده ام و قوتهای ده که طلب از زوها خود کنم و غوامض علوم را عطا
 کن بمن و بیماری مشرف بر هلاکت و شرابا بالتمام از من دور دار بحق پادشاهی که خالق
 آسمان و زمین است (فصل سیم در احکام تشریف و تغریب کواکب مختصره)
 چون کواکب علویه از شعاع آفتاب بیرون آیند ایشانرا در این حال مشرق خوانند
 و فرسیان کنار روزی گویند و لایزال منعت باین لغت نامشند تا بعد ایشان از
 آفتاب شصت درجه شود و این کمال تشریف بود بعد از آن این صفت زایشان زایل
 گردد و بعد از مقابل آفتاب بافتاب تقرب جویند پس روز بروز نزدیک شوند تا که
 بعد ایشان از آفتاب شصت درجه در آید در اینحال ایشانرا مغرب گویند و فرسیان کواکب
 شبی و لایزال باین صفت موصوف باشند تا در حوالی افق مغرب بمقت شعاع آفتاب
 در آیند و این صفت نیز از ایشان زایل گردد و بعضی گویند که حد تشریف و تغریب دو
 علویه نبود درجه است و این بقیاسا قریب است لکن جمهور شرق اول را بیشتر اعتبار کنند
 و استاد ابوریحان بپرسش گوید که بعد از خروج الشعاع چون بعد ایشان از آفتاب بیرون

مغرب کواکب

در فوج اثنی عشر

شود و تجاوز نماید ایشان را ضعیف التشریق خوانند تا نبود درجه در مد و تجاوز نماید بعد
 از آن نام تشریق از ایشان برخیزد و اما سفلیین چون از تحت الشعاع خارج شوند در
 طرف مشرق مشرق و کنار روزی باشند و در طرف مغرب مغرب و کنار شبی باشند
 و این حالت از ایشان ذایل نشود تا منتصف بصفه تحت الشعاع شوند و غایت تشریق و
 تغریب که کوکب بلا خلاف رباط اعظم باشد و نهایتان در زهره چهل و هفت درجه
 و در عطارد بیست و هفت درجه و در کوبند کوکب علوی در تشریق قوی باشند و در
 تغریب ضعیف و لهذا تشریق را بمنزله سن شباب گرفته اند و تغریب را بمنزله سن شیخوخت
 اما سفلیین بکس این باشد و در تغریب قوی اند و در تشریق ضعیف و معلوم است
 که کوکب در تشریق صاحب قوه اند و در تغریب صاحب ضعف الا قریب
 که قریب تغریب خصوصیتی هست که دیگر از اینست و وجه خصوصیت هم از کلام مفهوم
 و معلوم است که میفرماید مبدا ظهور قریب است که اصل برودت موافق
 طبیعت قریب است و خفای او جهت مشرق که اصل حرارت است پس قریب با مشرق کمال
 باشد و با مغرب کمال موافقت و لهذا در اخبار از وقوع او در طالع از جمله محذورات
 دانسته اند و از کلام یعقوب بن اسحق کندی چنین مفهوم میشود که قوه سفلیین در
 تشریق است چنانکه علوی الا آنکه تغریب در سفلیین قبل الضراست (احکام
 تشریق و تغریب زحل در برج اثنی عشر) یعقوب بن اسحق کندی گوید تشریق زحل
 مطلقا دلیل است بر اول شیخوخت و سعادت در حرث و صناعات مباحه و غنای و کد
 اعمال دقیق و تحصیل اموال در اشیاء غیر محسنه و تغریب زحل مطلقا دلالت کند بر
 او اخر شیخوخت و تنگی معاش و خیانت عمال و حیل در کارها و پستی قدر و رنج
 سخن دیدن و عمل قنوت و انبار (تشریق و تغریب زحل در برج حمل) در تشریق
 دلالت کند بر خون و فکر پادشاه بسبب اخبار اراجیف و در تغریب دلالت کند
 بر قنات شدید و جوع و وبا و امشاع باران و قلت استواد در مزاج هوا (تشریق
 تغریب زحل در برج ثور) در تشریق دلالت کند بر وفور قتل در نواحی مشرق و

تشریق و تغریب زحل

کوت

تشریح و تغریب زحل

و کثرت باران و فرق مردم در آنها و در تغریب پادشاهی بر وجهت ستم کند و حدوث مثل
 باشد در نواحی مختلفه و غارت و دزدی حادث گردد و مرض جدی شیوع یابد
 و اختلاف هوا و حدوث امطار کثیره و هبوب رجاج باشد و بیماری را جیف هرس
 گوید اگر در ثلث اول مغرب باشد تراید میاه باشد و تشویش و شر در میان مردم
 و ارجاف شدید و اگر در ثلث اول مغرب باشد تراید میاه باشد و تشویش و شر
 در میان مردم و ارجاف شدید و اگر در ثلث ثانیه بود دلالت کند بر توسط امور
 و در ثلث سیم غارت بود و امراض جدی (تشریح و تغریب زحل در برج جوزا
 در تشریح دلالت کند بر بیماری پادشاه و بزرگان و افت ایشان و در تغریب غلظت
 هوا و قلت باران باشد هرس گوید اگر در ثلث اول برج بود امراض لاهق پادشاه
 گردد و بک حال زنان باشد و اما کن مقدسه و در ثلث دوم صلاح ادیان و کثرت
 بیع و شری و در ثلث سیم موت پادشاهی یا کربختن او باشد (تشریح و تغریب زحل
 در برج سرطان) در تشریح دلالت کند بر کثرت امطار و تغیر هوا و حدوث زلزله
 و کثرت میاه و در تغریب ضعف حال دهقانان و کشاورزان باشد و بیماری
 چشم و زکام و بولات و مرگ زنان باشد هرس گوید اگر در ثلث اول مغرب بود
 اهل زرع و حرث باشد و در ثلث دوم در چشم و در ثلث سیم مرگ زنان (تشریح و
 تغریب زحل در برج اسد) در تشریح دلالت کند بر زیاد شدن آنها و بیماری
 فیض و در تغریب حدوث تب ربع و بیماری در حرم پادشاه و سایر زنان نیز همیشه
 نباشند هرس گوید اگر در ثلث اول برج مغرب شود بیماری باشد و در ثلث دوم
 مرض حرم پادشاه و در ثلث سیم حتی ربع قارض گردد (تشریح و تغریب زحل در برج سنبله
 در تشریح دلالت کند بر کثرت باران و در عدوی و برقی و طغیان آنها و در تغریب پادشاه
 وقت بیمار گردد و در مردم در چشم و زکام بهم رسد و کمی باران باشد هرس گوید
 اگر در ثلث اول برج مغرب شود مرض پادشاه بود و در ثلث دوم محظ کندم و حدوث
 زکام و در ثلث سیم قلت باران و نم (تشریح و تغریب زحل در برج میزان) در

در برج دوازده گانه

۲۴۹

تشریح دلالت کند بر فتنه و ضرر در مردم از بیماری و غیر آن و از زانی بعد از کوفتی و در
 سر وی و خشکی هوا و قلت باران باشد هر مس کویدا کرد ثلث اول برج مغرب شود سیوا
 هوا و قلت امطار بود و در ثلث سیم مثل دوم که سرمای بی باران است (تشریح و تغریب
 زحل در برج عقرب) در تشریح دلالت کند بر فتنه میان ملوک و غم و هم ایشان بسبب
 آن و در تغریب بیماری پادشاه و حرم او باشد و ایذاء لشکران و میل ایشان بر احوال
 و کاهلی در حرکت و کمی طاعت در زمان برداری هر مس کویدا کرد ثلث اول برج مغرب شود
 جسد و قلت نباتات اجبار بود و در ثلث دوم یعنی عارض پادشاه گردد و در ثلث سیم مثل دوم
 (تشریح و تغریب زحل در برج قوس) در تشریح دلالت کند بر تبهای عام و ابطناع
 حال پیران و مردم سالخورده و حسن مزاج هوا و در تغریب بلا و احزان بود و هوامعند
 گذر هر مس کویدا کرد ثلث اول برج مغرب شود امتزاج بلا و احزان باشد در میان
 مردم و در ثلث دوم بطو امور و ضعفان و در ثلث سیم فلاطعام بود (تشریح و
 تغریب زحل در برج جد) در تشریح دلالت کند بر موت زنان و در تغریب ظهور
 اعدا و فساد مواثقه و صعوبت سفر دریا باشد و اضطراب و ناسازگاری در میان مردم
 هر مس کویدا کرد ثلث اول برج مغرب شود قوت اعدا بود و در ثلث دوم و سیم صعوبت
 بحر و کثرت امواج (تشریح و تغریب زحل در برج دلو) در تشریح دلالت کند بر عرض
 هوم و احزان در ملوک و در تغریب بختها بود در میان مردم و فساد مزاجها و مرگ
 مردم سالخورده و کثرت رطوبت هر مس کویدا کرد ثلث اول برج مغرب شود ظهور
 بلا بود در دوم مرگ شیوخ و در سیم حدیث مضرت و کثرت آب بود (تشریح و تغریب
 زحل در برج حقی) در تشریح دلالت کند بر قلت امطار و کثرت قحط و توسط مزاج هوا
 و در تغریب غم زدورت سلاطین بود بسبب مرگ اعدا و بیماری از نزلات و ذات الجنب
 و سفال عارض شود هر مس کویدا کرد ثلث اول برج مغرب شود نزله و زکام بهم رسد و
 در ثلث دوم مذاکیر و محابس قائم گردد و در ثلث سیم پادشاهی عظیم الشان و افکرواند
 دست دهد (احکام تشریح و تغریب مشهور در برج اثنی عشر) یعقوب ابن اسحاق

تشریح و تغریب مشرق

کندی گوید که تشریح مشرق مطلقاً دلالت کند بر اول حکومت و بنا برینست و ستودن
 مردمان و مروت و پاکت دینی و خاموشی و کارهای دینی و قضا و وزارت و فتوی و مال
 بسیار و نام نیکو و کثرت اولاد و غیره پیش مطلقاً دلالت کند بر آخر حکومت و دین داری
 زاهدی و سیاحتی بجهت ممالک دین و مال جمع کردن و توسط درکارها و خصوصیت کردن
 بجهت احقاق حق و نوشتن قصص و اخبار و بحث علوم (تشریح و تغریب مشرق در برج
 حمل) در تشریح دلالت کند بر کثرت رطوبات سیما در فصل خزان و نیکی حال رعیت از
 ترحم پادشاه خاصه خاندانهای قدیم بزرگ و صحت بدن پادشاه و انتقال و بسبب
 منافع و قهر اعدا و در تغریب کثرت باران و نم بود و ملوک و سلاطین اهل بیت و اعمال
 خود را انعام و اکرام نمایند هر مس گوید اگر در ثلث اول این برج مغرب شود امراض کثیره
 از رطوبات عارض گردد و در ثلث دوم مرگ یکی از اهل حجر پادشاه بود و در ثلث سیم
 مرگ مردی شریف صاحب عزت اتفاق افتد (تشریح و تغریب مشرق در برج ثور)
 در تشریح دلالت کند بر کثرت امطار و در تغریب مرگ زنان ملوک و عظاما باشد و اضطراب
 رطوبت در هوا هر مس گوید اگر در ثلث اول برج مغرب شود امراض کثیره از رطوبات
 عارض شود و در ثلث دوم موت یکی از زنان پادشاه یا زنی شریفه معروفه و در
 سیم موت مردی کثیر السن باشد (تشریح و تغریب مشرق در برج جوزا) در تشریح
 دلالت کند بر کثرت نم و باران و در تغریب جرن ملوک و فساد حال اعیان بود هر مس
 اگر در ثلث اول جوزا مغرب بود ضعف و ضایع شدن اشیاء باشد و در ثلث دوم باد
 و غبار و کدرت هوا بود و در ثلث سیم جور پادشاه بود و کثرت ازار رعیت (تشریح
 و تغریب مشرق در برج سرطان) در تشریح و تغریب دلالت کند بر کثرت امطار و
 شدت برد و احدی عبد الجلیل سجری گوید در تابستان شدت گرما و در زمستان
 سرما باشد و در تغریب پادشاه را سفر افتد و مال صرف لشکر و سپاه کند و کثرت
 اراجیف بود و اضطراب و تشویش مردم هر مس گوید اگر در ثلث اول این برج مغرب
 شود تحویل و انتقال پادشاه بود و اگر در ثلث دوم بود بدن بر اموال کند و در ثلث

سیم قشویش ظاهر و کثرت اضطراب و ارجان بود (تشریح و تغریب مشرق در برج سیم)
 در تشریح دلالت کند بر کثرت امطار نافه و حسن مزاج هوا در زمستان و در تغریب
 ملوک راهوم و احزان دست هد و شاید که مرضی عارض ایشان شود و موت ایشان
 بود هر مس کویدا کرد در ثلث اول برج مغرب شود غم و احزان پادشاه بود خاصه در
 ثلث دوم و در سیم مرگ مردی شریف بود (تشریح و تغریب مشرق در برج سیم)
 در تشریح دلالت کند بر نزله و زکام و در دهم و قلت باران و در تغریب کثرت هوا
 و احزان بود و بجز خیری مرغ و مرض سلاطین و حکام و نقصان الحوم و دسوم هر مس
 کویدا کرد در ثلث اول برج مغرب شود عارضه پادشاه را بهر سرد و ضعف روی نماید
 و در ثلث دوم غم و حزن یکی از وزیران رسد و جمعی بدین سبب متفکر گردند و ایضا
 بایشان نیز رسد و در ثلث سیم مردم در بار غم و کدورت باشد (تشریح و تغریب
 مشرق در برج میزان) در تشریح دلالت کند بر حدوث امراض همین و نزله و زکام
 و کثرت رواج و زوامع و در تغریب حدوث امراض بود در ملوک و فرماندهان و قلت
 امطار و بیوست و برودن هوا هر مس کویدا کرد در ثلث اول برج مغرب شود قلت
 امطار و بیوست هوا و در ثلث ثانی برودن هوا و در ثلث ثالث عارضه پادشاه
 روی نماید (تشریح و تغریب مشرق در برج عقرب) در تشریح دلالت کند بر فساد
 و اضطراب در میان رؤسا و در تغریب امراض عارض ملوک گردد و یکی از اقوام شاه
 بیمار گردد و قله حرکت لشکرها باشد هر مس کویدا کرد در ثلث اول برج مغرب شود
 فراغت لشکرها و راحت ایشان بود و صلاح اموری ایشان و در ثلث ثانی و ثالث
 موت یکی از حرم پادشاه یا یکی از زنان شریف خواستی پادشاه (تشریح و تغریب
 مشرق در برج قوس) در تشریح دلالت کند بر عرض و اجاع و سایر علل و در
 تغریب هموم و احزان ملوک و رؤسا باشد و موت بزرگی روی نماید هر مس کویدا کرد
 در ثلث اول این برج بود اجنار مخوفه وارد پادشاه شود که از آن حکمین گردد و کدورت
 رؤسا و در ثلث سیم و در سیم مرگ مردی شریفانه حاصل نمکند حادث گردد (تشریح)

و تغریب